

۱ با توجه به معیار فعل اخلاقی در نزد فلسفه کدام دیدگاه به درستی بیان نشده است؟

- ۱ به اعتقاد فلاسفه‌ی مسلمان وجود اختیار در انسان در ارتکاب رذایل مانع از نافرمانی خداوند می‌شود.
- ۲ به نظر فلاسفه‌ی طبیعت‌گرا، ملاک خوب و بد بودن افعال سود و زیان آن‌ها می‌باشد.
- ۳ افلاطون معتقد است که میان معیار فعل اخلاقی و سعادت انسان ارتباط مستقیم وجود دارد.
- ۴ فلاسفه‌ی مسلمان نیز همانند ارسطو، عقل را منبع شناخت رذایل و فضایل می‌دانند.

۲ اتفاقات زیر به ترتیب بیانگر کدام‌یک از حالات قوای نفسانی انسان هستند؟

- حامد هنگامی که با ۳ زورگیر مسلح روبه‌رو می‌شود که او را تهدید می‌کنند، با آن‌ها گلاویز می‌شود و در پی ضربات آنان آسیب جدی می‌بیند.
- سامان وارد یکی از حلقه‌های عرفانی شده است و از ترش این که گناه نکند، به کلی از تمام لذایذ مادی صرف‌نظر کرده است.
- ایمان هنگامی که کتابی را می‌خواند، قبل از این که به دنبال دریافت مقصود نویسنده باشد، سعی می‌کند با توسل به آنچه خود می‌داند، سخنان مؤلف را ابطال کند.

- ۱ تهوّر - خمودی - جربزه
- ۲ شجاع - خویشن‌داری - جربزه
- ۳ تهوّر - خویشن‌داری - حکمت
- ۴ شجاعت - خمودی - حکمت

۳ از نظر فلاسفه‌ی مسلمان میل به فضائل در نهاد بشر اگر از یک پشتوانه‌ی الهی برخوردار شود

- ۱ حاصلش نشاط و رضایت درونی است.
- ۲ فعل انسانی حتمی و قطعی خواهد شد.
- ۳ اختیار انسان نائل شدن به فضیلت را رقم می‌زند.
- ۴ تحقق فضائل ممکن خواهد شد.

۴ کدام گزینه به دیدگاه ایمانوئل کانت در باب معیار و ملاک فعل اخلاقی مربوط نمی‌شود؟

- ۱ به فرمان عقل صورت می‌گیرد.
- ۲ برای انجام وظیفه‌ی اخلاقی است.
- ۳ در اطاعت از وجدان و در عین حال قابل تعمیم است.
- ۴ ناشی از گرایش‌های عالی انسانی است.

۵ در کدام گزینه تفاوت دیدگاه افلاطون و ارسطو در باب معیار فعل اخلاقی آمده است؟

- ۱ عقل درک‌کننده‌ی اعتدال قوای وجودی در انسان است.
- ۲ معیار فعل اخلاقی میان تمام انسان‌ها ثابت و مشترک است.
- ۳ حکمرانی عقل بر سایر قوا باعث جلوگیری از افراط و تفریط آنان می‌شود.
- ۴ فعلی فضیلت محسوب می‌شود که در جهت سعادت حقیقی انسان باشد.

۶ کدام ویژگی، وجه تمایز فعل اخلاقی از فعل طبیعی است؟

- ۱ نیازهای فردی و شخصی را شامل می‌شوند.
- ۲ می‌توانند مورد ستایش یا سرزنش قرار گیرند.
- ۳ انسان‌ها به‌صورت فطری به آن گرایش دارند.
- ۴ همه‌ی انسان‌ها عامل به آن افعال هستند.

۷ درباره‌ی کدام عبارت میان معتقدان به دیدگاه‌های مختلف اخلاقی، اختلاف‌نظر وجود دارد؟

- ۱ ویژگی‌هایی مانند عدالت و صداقت و رفتار براساس آنها، برای سلامت اجتماع ضروری هستند.
- ۲ از آن‌جا که انسان زندگی اجتماعی دارد، ناگزیر است منفعت دیگران را نیز در رفتارهای خود در نظر بگیرد.
- ۳ تشخیص رفتار درست از نادرست و دستیابی به سعادت فردی و اجتماعی، از طریق عقل امکان‌پذیر می‌شود.
- ۴ هرگاه انسان خواهان آزادی در برابر دیگران باشد، باید به دیگران هم حق بدهد که در برابر او همان قدر آزاد باشند.

۸ کدام عبارت در حوزه‌ی فلسفه‌ی اخلاق قرار دارد؟

- ۱ هر انسانی باید به حقوق دیگران احترام بگذارد تا حق او نیز محترم شمرده شود.
- ۲ هر انسانی می‌تواند مطابق سلیقه و دیدگاه خود، قاعده‌ی اخلاقی وضع کند.
- ۳ قوه‌ی غضب و قوه‌ی شهوت باید تحت کنترل و حکومت عقل باشند.
- ۴ تهور و ترس حالت افراط و تفریط شجاعت است.

۹ کدام گزینه درباره‌ی تمایلات مادی و معنوی انسان درست نیست؟

- ۱ اگر تمایلات مادی بر انسان چیره شود، لزوماً به سمت رذیلت قدم برمی‌دارد.
- ۲ اگر تمایلات معنوی بر انسان چیره شود، لزوماً به سمت فضیلت قدم برمی‌دارد.
- ۳ اگر انسان به سمت رذیلت قدم بردارد، لزوماً از تمایلات معنوی خود پیروی نکرده است.
- ۴ نمی‌توان گفت تمایل به لذت‌های مادی، لزوماً انسان را به سوی رذیلت اخلاقی می‌برد.

۱۰ کدام گزینه پیرامون دیدگاه فیلسوفان مسلمان درباره‌ی فضیلت درست است؟

- ۱ عقل انسان تنها قادر به تشخیص فضیلت‌ها است.
- ۲ عقل انسان نقشی در کسب رذیلت‌های اخلاقی ندارد.
- ۳ محال است حقیقت آدمی به دنبال کسب رذیلت باشد.
- ۴ ممکن است گاهی عقل، فضیلت‌ها را تشخیص ندهد.

۱۱ کدام گزینه درباره‌ی شباهت و تفاوت نظر کانت و ماتریالیست‌ها پیرامون فعل اخلاقی درست نیست؟

- ۱ کانت و ماتریالیست‌ها اعتقاد به کلی بودن قواعد اخلاقی و تعمیم‌پذیری آن‌ها داشتند.
- ۲ کانت و ماتریالیست‌ها می‌گفتند با دیگران جوری رفتار کن که دوست داری با تو رفتار شود.
- ۳ ریشه‌ی افعال انسان از نظر کانت، وجدان و روح، اما از نظر ماتریالیست‌ها، جسم مادی افراد است.
- ۴ عبارت «هر آن‌چه برای خود می‌پسندی، برای دیگران هم بپسند» می‌تواند شباهت نظر آن‌ها باشد.

۱۲ کدام گزینه، تعریف «وجدان» از دیدگاه کانت است؟

- ۱ نیرویی درون وجود انسان است که به او توانایی استدلال کردن می‌دهد.
- ۲ حقیقی درون وجود انسان است که او را به عمل خیر اخلاقی دعوت می‌کند.
- ۳ نیرویی درون ذات انسان است که او را به سوی عمل خیر یا شر دعوت می‌کند.
- ۴ حقیقتی درون وجود انسان است که او را به سوی سعادت یا شقاوت سوق می‌دهد.

۱۳ کدام گزینه نمی‌تواند دیدگاه فلسفی ارسطو باشد؟

- ۱ شرط کافی برای دور ماندن از افراط و تفریط در قوای وجودی آدم، رشد عقل است.
- ۲ حد اعتدال قوه‌ی غضب، شجاعت است که برای رسیدن انسان به سعادت کافی نیست.
- ۳ درک اعتدال در قوای وجودی انسان، بدیهی و بدون نیاز به اثبات و بیان استدلال است.
- ۴ معیار سعادت از نظر ارسطو، میان همه‌ی انسان‌ها مشترک و بی‌نیاز از تعریف کردن است.

۱۴ کدام عبارت درباره‌ی دیدگاه‌های گوناگون پیرامون معیار فعل اخلاقی نادرست است؟

- ۱ اختلاف نظر فیلسوفانی نظیر افلاطون با طبیعت‌گرایان را می‌توان در عقلی بودن معیار اخلاق بیان کرد.
- ۲ از نظر ارسو قوه‌ای که مانع افراط و تفریط قوای دیگر می‌شود خود ممکن است دچار عدم اعتدال شود.
- ۳ از نظر فیلسوفان طبیعت‌گرا «خوب» و «بد» عناوینی هستند که باید طبق منافع شخصی بر افعال اطلاق شوند.
- ۴ اختلاف نظر کانت و فیلسوفان مسلمان را می‌توان به نیاز یا عدم نیاز اخلاق به یک مرجع و پشتوانه‌ی بیرونی ارجاع داد.

۱۵ کدام عبارت درباره‌ی نظریات اخلاقی فیلسوفان غربی درست است؟

- ۱ از نظر افلاطون معیار اخلاق می‌تواند در گذر زمان مورد تصحیح و تعدیل واقع شود.
- ۲ به نظر ارسطو عقل که خود دارای فضیلت حکمت است، مصون از دچار شدن به افراط و تفریط است.
- ۳ عمل اخلاقی از نظر کانت غایتی بیرون از خود آن عمل ندارد و اگر فعلی چنین باشد، اخلاقی نیست.
- ۴ فیلسوفان مکتب ماتریالیسم معتقدند انسان در شرایط اضطرار اجتماعی، دست به کشف قوانین اخلاقی می‌زند.

۱۶ کدام یک از پرسش‌های زیر، از پرسش‌های اصلی فلاسفه در ارتباط با تفاوت دو نوع فعل اخلاقی و طبیعی نمی‌باشد؟

- ۱ قواعد فعل اخلاقی چگونه مورد قبول عموم واقع می‌شوند؟
- ۲ آیا اصول اخلاقی بسته به تحول و تفاوت فرهنگ‌ها و جوامع متغیر و متفاوت‌اند؟
- ۳ آیا هر کسی می‌تواند مطابق سلیقه خود قاعده اخلاقی وضع کند؟
- ۴ آیا مردم برای پیروی کردن از اصول اخلاقی از خود اختیار و اراده‌ای دارند؟

۱۷ به ترتیب، حالت افراط قوه‌ی عقل، حالت افراط قوه‌ی غضب، حالت تفریط قوه‌ی شهوت، حالت اعتدال قوه‌ی عقل از دیدگاه ارسطو، در کدام گزینه به درستی ذکر شده است؟

- | | |
|--------------------------------|--------------------------------|
| ۱ جربزه - تهوّر - خمودی - حکمت | ۲ تهوّر - جربزه - خمودی - حکمت |
| ۳ شره - جربزه - ترس - شجاعت | ۴ جربزه - شره - خمودی - شجاعت |

۱۸ کدام عبارت، در رابطه با فعل اخلاقی از نظر ماتریالیست‌ها نادرست است؟

- ۱ ریشه‌های فعل اخلاقی در رفتار طبیعی انسان قابل جست‌وجو است.
- ۲ انسان بسته به سود یا زیان خود عناوین خوب یا بد را به کارها نسبت می‌دهد.
- ۳ قواعد اخلاقی ارزش واقعی دارند و می‌توانند با توجه به سود یا زیان انسان تغییر کنند.
- ۴ قواعد اخلاقی زمانی ابداع شدند که انسان دریافت، نفع او در گرو نفع دیگران است.

۱۹ از نظر کانت کدام ویژگی عقل عملی و قوه حکم آدمی، بینان‌گذار ساحت اخلاق به شمار می‌رود؟

- ۱ شناسایی سعادت حقیقی انسان
- ۲ ایجاد حقیقت وجدان اخلاقی
- ۳ کشف قانون کلی و عقلانی وظیفه
- ۴ کسب فضیلت با بهره‌گیری از عقل نظری

۲۰ کدام گزینه اختلاف نظر ارسطو و افلاطون را در زمینه اخلاق بیان می‌کند؟

- ۱ وجود و شکل قوای سه‌گانه در انسان
- ۲ امکان تحقق افراط و تفریط در قوای عقلی
- ۳ ضرورت غلبه عقل بر قوای شهوت و غضب
- ۴ لزوم فعلیت قوه عقل برای نیل به سعادت

۲۱ کدام گزینه در خصوص دیدگاه ارسطو درباره اخلاق درست است؟

- ۱ سعادت انسان در پرتوی فرمانروایی عقل بر سایر قوا حاصل می‌شود.
- ۲ معیار اخلاق بین‌الذهانی نیست و شخصی است.
- ۳ فضیلت قوه غضب، شجاعت یا جربزه است.
- ۴ فضیلت قوه شهوت، خویشتن‌داری و حالت تفریط آن، شره است.

۲۲ طبق نظر افلاطون و ارسطو به ترتیب، اعمال انسان چه زمانی در جهت سعادت است؟

- ۱ به جهت دعوت وجدان انجام شود - در خط اعتدال باشد
- ۲ باعث رشد و کمال روح شود - به جهت دعوت وجدان انجام شود
- ۳ به فرمان خداوند انجام شوند - اعمال او به فرمان و راهنمایی عقل انجام شوند.
- ۴ به فرمان و راهنمایی عقل انجام شوند - قوای وجودی او در حالت اعتدال باشند.

۲۳ مطابق با نظر کانت کدام گزینه را می‌توان به طور یقینی فعل اخلاقی قلمداد کرد؟

- ۱ انجام فعل به خاطر تبعیت از وجدان
- ۲ انجام فعلی که وظیفه‌ی فرد در آن موقعیت است.
- ۳ انجام فعلی که سعادت بشر را در پی خود رقم می‌زند.
- ۴ انجام فعلی که می‌تواند در یک قانون کلی و عام قرار بگیرد.

۲۴ کدام عبارت درست است؟

- ۱) به اعتقاد ارسطو یکی از عمل‌کردهای اخلاقی عقل این است که برای مثال، درک می‌کند فضیلت قوهی غضب، خویشن‌داری است.
- ۲) کانت معتقد است کاری که انسان در آن نفع شخصی نداشته باشد، فضیلت شمرده می‌شود؛ مانند وقتی که از روی دلسوزی به کسی کمک می‌کند.
- ۳) به اعتقاد فیلسوفان مسلمان، گرایش به خیر اخلاقی و تمایلات متضاد با آن، کم و بیش در همه انسان‌ها، چه معتقد به خدا باشند و چه نباشند، وجود دارد.
- ۴) از آن‌جا که فیلسوفان طبیعت‌گرا و ماتریالیست فقط منافع شخصی را به رسمیت می‌شناسند، معتقدند هرگاه انسان بتواند، باید به هر میزان که می‌خواهد آزاد باشد.

۲۵ با توجه به دیدگاه‌های فیلسوفان دوره‌ی یونان باستان در مورد معیار فعل اخلاقی؛ به ترتیب، افلاطون و ارسطو از چه واژه‌هایی و به

چه معنایی استفاده کردند؟

- ۱) اعتدال - عدالت - حد وسط بین افراط و تفریط - حاکمیت عقل بر سایر قوای انسانی
- ۲) عدالت - اعتدال - حاکمیت عقل بر سایر قوای انسانی - حد وسط بین افراط و تفریط
- ۳) عدالت - اعتدال - حد وسط بین افراط و تفریط - حاکمیت عقل بر سایر قوای انسانی
- ۴) اعتدال - عدالت - حاکمیت عقل بر سایر قوای انسانی - حد وسط بین افراط و تفریط

- ۱ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در گزینه‌ی ۱ با وجود اختیار در انسان، گه‌گاه تمایلات در انسان شدت می‌گیرد و ممکن است سبب سرپیچی و نافرمانی از فرمان خدا شود. بررسی سایر گزینه‌ها:
- ۲) فیلسوفان ماتریالیست و طبیعت‌گرا معتقدند که انسان‌ها نیز مانند سایر موجودات، هر کاری را برای منافع طبیعی خود انجام می‌دهد. خوب و بد تنها عناوینی هستند که خود ما به هر فعل می‌دهیم، بسته به اینکه آن کار به سود ما باشد یا به زیان ما.
- ۳) به اعتقاد افلاطون میان فعل اخلاقی و سعادت و نیک‌بختی رابطه وجود دارد. اگر فعل اخلاقی در جهت سعادت باشد، فضیلت است و اگر برخلاف سعادت باشد، رذیلت و بدی است.
- ۴) فلاسفه مسلمان نیز همانند ارسطو عقل را منبع شناخت فضیلت‌ها و رذیلت‌ها می‌دانند.
- ۲ گزینه ۱ پاسخ صحیح است.
- تهور عبارت است از حالتی که فرد، در جایی که ترس سزاوار است، نترسد و در ماجرای اول، آنجایی که فرد توسط تعدادی زورگیر مسلح تهدید می‌شود و همچنین با آنان به مقابله می‌پردازد، بیانگر چنین حالتی است.
- خمودی یعنی تفریط و ترک قوه‌ی شهوت و لذایذ مربوط به آن. اینکه یک فرد ترک دنیا بکند و به اصطلاح عزلت بگزیند، بیانگر چنین حالتی خواهد بود.
- طرح شبهات و سعی در گیر انداختن طرف مقابل، به جای سعی در یادگیری و آموختن، بیانگر حالت جزبه است که افراط عقل است.
- ۳ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. اعتقاد به خداوند، گرچه عامل تقویت‌کننده است، اما به این معنا نیست که عمل به فضیلت قطعی و حتمی می‌شود، زیرا در هر صورت، انسان موجودی مختار و با تمایلات قوی و شدید است و ممکن است برای رسیدن به آن تمایلات، از فرمان خدا هم سرپیچی نماید. (تحقق فضائل ممکن می‌شود، نه حتمی).
- ۴ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. معیار کانت در فعل اخلاقی، اطاعت از وجدان اخلاقی است. او می‌گوید: «بر طبق قاعده‌ای عمل کنید که بتوانید اراده کنید که قاعده‌ی مزبور، قانون کلی و عمومی شود.» با توجه به این معیار فعل اخلاقی تبعیت از وجدان و عمل مطابق با وظیفه است و معیار عقل نقشی در آن ندارد.
- ۵ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. دقت کنید که هر چند هم ارسطو و هم افلاطون به فضیلت توجه داشتند، اما افلاطون فضیلت را در رسیدن به سعادت تعریف می‌کرد، اما تأیید بیشتر ارسطو از روی فهم اعتدال بود نه سعادت. به عبارتی هدف افلاطون از انجام فعلی، رسیدن به سعادت و نیک‌بختی بود و آن را تعادل بین قوا می‌دانست در حالی که ارسطو بیشتر بر اعتدال بین قوا و حاکمیت عقل بر سایر قوا تأکید داشت.
- ۶ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. کارهایی که انسان آن‌ها را برای رفع نیازهای خود انجام می‌دهد، مانند خرید مایحتاج روزانه و یا استراحت و آشپزی، فعل طبیعی هستند، ولی دسته‌ی دیگر افعالی هستند که مورد ستایش و تحسین یا سرزنش و تقبیح قرار می‌گیرند، مانند احسان و ایثار که به آن‌ها فعل اخلاقی می‌گویند. انسان‌ها ممکن است به افعال طبیعی نیز به صورت فطری گرایش داشته باشند و همه‌ی انسان‌ها افعال طبیعی را انجام می‌دهند. درس یازدهم ص ۸۵
- ۷ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. اینکه عقل قادر به تشخیص رفتار درست از غلط و تشخیص حسن و قبح اعمال باشد، نشان از کاشفیت آن دارد؛ یعنی این که برخی اعمال فی‌ذاتهم خوب و حسن هستند و عقل می‌تواند این حسن و قبح را تشخیص دهد و درک کند. این نظر متعلق به ارسطو و افلاطون و پیروان آنان در سنت فلسفه اسلامی است که عموماً حسن و قبح را ذاتی و قابل کشف با عقل عملی می‌دانند. اما فیلسوفان ماتریالیست معتقدند که حسن و قبح اعتباری است و بنابراین عقل قادر به کشف آن‌هاست چون اساساً اعمال در ذات خود خوب یا بد نیستند و خود ما هستیم که این صفات را براساس معیارهایی اعتبار کرده و بر رفتارهای مختلف اطلاق می‌کنیم.

۸ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در عبارت این گزینه، معیار فعل اخلاقی مطرح شده است که یک موضوع بنیادین در حوزه علم اخلاق است، اما محتوای سایر گزینه‌ها مربوط به خود علم اخلاق هستند.

۹ گزینه ۱ پاسخ صحیح است.



بررسی گزینه‌ها:

۱ و ۴) با چیره شدن تمایلات مادی بر انسان، لزوماً به سمت رذیلت نخواهیم رفت. مثلاً فردی را تصور کنید که به جای کمک کرده به دیگران، خرید برای خودش را انتخاب کرده است. آیا چنین فردی به سمت رذیلت رفته؟ خیر. صرفاً فضیلت کاری که انجام داده است از کمک کردن به دیگران کم‌تر بوده.

۲) تمایلات معنوی انسان را به سمت فضیلت می‌برند.

۳) نمی‌شود انسان از تمایلات معنوی خود پیروی کند و به سمت رذیلت برود. پس اگر شخصی به سمت رذیلت رفت، قطعاً از تمایلات معنوی خود پیروی نکرده است.

۱۰ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. انسان ذاتاً به فضیلت‌های اخلاقی گرایش دارد و از رذیلت‌ها بیزار است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) عقل انسان قادر به تشخیص فضیلت‌ها و رذیلت‌ها است.

۲) انسان با عقل خود دست به انتخاب می‌زند و به سوی رذیلت‌ها قدم برمی‌دارد.

۴) عقل انسان همواره فضیلت‌های اخلاقی را تشخیص می‌دهد.

نکته: درست است که انسان ذاتاً از بدی‌ها گریزان و به خوبی‌ها مشتاق است اما کسب آن‌ها به واسطه‌ی عقل است.

۱۱ گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

کانت: «براساس قاعده‌ای عمل کنید که بتوانید اراده کنید که قاعده‌ی مزبور، قانون کلی و عمومی شود.»

به عبارت دیگر، به شکلی رفتار کنید که دیگران هم اگر این رفتار را با شما داشته باشند، ناراحت نشوید و عامل آن را تحسین کنید. (آن‌چه برای خود می‌پسندی برای دیگران هم بپسند).

ماتریالیست‌ها: «ریشه‌ی فعل اخلاقی، همان رفتار طبیعی انسان است. انسان مانند سایر موجودات، هر کاری را برای منافع طبیعی خود انجام می‌دهد. از آن‌جا که انسان زندگی اجتماعی دارد، ناگزیر است منفعت دیگران را نیز رعایت نماید تا در نهایت منفعت خودش تأمین شود. مثلاً به دیگران توهین نمی‌کنیم، نه به این دلیل که توهین کردن بد است، بلکه دوست نداریم آن‌ها نیز به ما توهین کنند. به عبارت دیگر، اولین قانون اخلاقی این است: آن‌چه برای خود می‌پسندی برای دیگران هم بپسند.»

تفاوت و شباهت ماتریالیست‌ها با کانت چه بود؟

شباهت = هر دو می‌گفتند با دیگران جوری رفتار کن که دوست داری با تو رفتار شود.

تفاوت = ریشه‌ی رفتار اخلاقی از نظر کانت، وجدان و از نظر طبیعت‌گرایان و ماتریالیست‌ها و کسانی که روح را قبول ندارند، منفعت اشخاص است.

۱۲ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. به عقیده‌ی کانت، هر انسانی در درون خود، حقیقتی به نام وجدان اخلاقی دارد که او را به سمت عمل خیر

اخلاقی دعوت می‌کند.

توجه: از نظر کانت، وجدان تنها به سوی خیر و نیکی دعوت می‌کند.

۱۳ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. شرط لازم برای دور ماندن از افراط و تفریط در قوای وجودی آدم، رشد عقل است. بررسی سایر گزینه‌ها:

۲) حد اعتدال قوهی غضب که شجاعت است، برای رسیدن انسان به سعادت کافی نیست بلکه تمام قوا باید در حالت اعتدال قرار بگیرند.

۳ و ۴) معیار دستیابی به سعادت، میان همه‌ی انسان‌ها مشترک است و عقل هر انسانی این اعتدال را درک می‌کند (بدیهی است) و آن را به عنوان امری درست می‌پذیرد.
نکته: مفهومی که بدیهی است، نیازی به اثبات از طریق استدلال و تعریف ندارد.

۱۴ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. هرچند کتاب درسی اشاره کرده که مبنای اطلاق عناوین «خوب» و «بد» نزد ما بر مبنای منافی است که در پی آن کارها می‌آید. اما سخن فیلسوفان طبیعت‌گرا این نیست که هر انسانی باید طبق منافع خود کارها را خوب و بد بداند. بلکه می‌گویند که در سطحی کلان‌تر و اجتماعی که منافع عموم جامعه لحاظ می‌شود باید به یک قرارداد همگانی رسید. بنابراین سخن آن‌ها بیشتر به جای نوعی نسبی‌گرایی و منفعت‌طلبی یک نوع قراردادگرایی است. بررسی سایر گزینه‌ها:
گزینه‌ی «۱»: افلاطون به نسبت در اخلاق قائل نیست، بلکه احکام اخلاقی از نظر او احکامی عقلانی و همگانی هستند.
گزینه‌ی «۲»: از نظر ارسطو عقل می‌تواند مانع افراط و تفریط در قوای دیگر شود، اما خود عقل باید رشد کرده و به درجات مناسبی از معرفت دست یابد تا خودش دچار افراط و تفریط نشود.
گزینه‌ی «۴»: معیار فعل اخلاقی از نظر کانت درون خود فعل اخلاقی نهفته است و نباید برای مشروعیت یا تحقق آن به عاملی بیرونی ارجاع داد. اما فیلسوفان مسلمان تحقق اخلاق را نیازمند یک مرجع بیرونی می‌دانند که همان خداوند است.
توضیح نکات درسی:

این معیار فعل اخلاقی است که در فلسفه‌ی کانت یک قانون کلی و عمومی خودبسنده است و به مرجع دیگری نیاز ندارد. وگرنه شما در فلسفه‌ی دوازدهم خوانده‌اید که از نظر کانت برای وجود یافتن سوژه‌ی اخلاقی و لوازم آن نظیر وجدان و اختیار و ... وجود خواند ضرورت دارد.

۱۵ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: از نظر افلاطون معیار اخلاق ثابت است و با گذر زمان تغییر نمی‌کند.

گزینه ۲: از نظر ارسطو عقل خود ابتدائاً باید دچار افراط و تفریط نشود تا بتواند بر سایر قوا فرمانروایی کند.

گزینه ۳: عمل اخلاقی از نظر کانت خیر فی نفسه است و برای غایتی بیرون از خود انجام نمی‌شود، بلکه صرفاً به خاطر اطاعت از وظیفه انجام می‌شود.

گزینه ۴: ماتریالیست‌ها معتقدند انسان در شرایط قرار گرفتن در اجتماع، دست به ابداع قوانین اخلاقی می‌زند.

۱۶ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. گزینه ۴ مربوط به پرسش‌های فلاسفه نمی‌باشد.

۱۷ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. افراط قوه عقل: جریزه

افراط قوه غضب: تهوّر

تفریط قوه شهوت: خمودی

اعتدال قوه عقل: حکمت

۱۸ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. از نظر ماتریالیست‌ها اموری مانند صداقت، عدالت و امانت‌داری ارزش واقعی ندارند و حقیقتاً فضیلت شمرده نمی‌شوند.

گزینه ۳: پاسخ صحیح است. از نظر کانت عقل آدمی به یک قانون کلی و اخلاقی نائل می‌شود که اساس اخلاق مبتنی بر وظیفه است. این قانون کلی و عقلانی بیان می‌کند «بر طبق قاعده‌ای عمل کنید که بتوانید اراده کنید که قاعده مزبور، قانون کلی و عمومی شود». این اساسی‌ترین ویژگی قوه حکم و عقل عملی در آدمی است که از حیطة عقل نظری خارج است و مختص خودش است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: از نظر کانت فعل اخلاقی وابسته به کشف سعادت نیست. بلکه انسان باید بدون در نظر گرفتن هیچ عامل بیرونی‌ای به وظیفه اخلاقی خود عمل کند.

گزینه ۲: حقیقت وجدان در آدمی موجود است و این گونه نیست که قوه عملی آن را بسازد و ایجاد کند.

گزینه ۴: قوه حکم در آدمی یک قانون کلی و بدون محتوا وضع می‌کند و خود این قاعده کلی تحت تأثیر آموزه‌های عقل نظری نیست. کانت اخلاق را تابع عمل کردن به وظیفه می‌داند و نظام اخلاقی را بر مبنای عقل نظری و ضرورت کسب شناخت و رشد عقلی بنا نمی‌کند.

گزینه ۲: پاسخ صحیح است. از نظر افلاطون با غلبه عقل قوای دیگر به اعتدال می‌رسند و در نهایت انسان به فضیلت و سعادت نائل می‌شود. ارسطو نیز با این سخن موافق است اما از نظر او ابتدا خود عقل باید به درجه‌ای از رشد رسیده باشد که دچار افراط و تفریط نشود. چنین مفهومی نزد افلاطون مطرح نبود. به عبارتی دیگر به نظر افلاطون شناخت عقلی و آگاهی به صدق شناخت برای تحقق کنش و عمل آدمی کافی بود. اما ارسطو به این مورد نقد می‌کند و هشدار می‌دهد که آگاهی از درستی امری لزوماً به عمل و کنش آدمی منتهی نمی‌شود.

گزینه ۱: پاسخ صحیح است. رد سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: ارسطو معتقد است معیار اخلاق مشترک میان همه انسان‌هاست و عقل هر انسانی این اعتدال را درک می‌کند.

گزینه ۳: جریزه حالت افراط عقل است.

گزینه ۴: شره حالت افراط شهوت است.

گزینه ۴: پاسخ صحیح است. از نظر افلاطون، در صورتی عمل انسان در جهت سعادت است که بنا به فرمان و راهنمایی عقل انجام پذیرد. ارسطو، شاگرد افلاطون، درباره معیار فعل اخلاقی نظری نزدیک به استاد خود دارد؛ او معتقد است که اگر عقل بر قوای دیگر حاکم شود، انسان به اعتدال در قوا می‌رسد و همین اعتدال، عامل سعادت و نیک‌بختی انسان است.

گزینه ۱: پاسخ صحیح است. هر کاری که انسان آن را صرفاً برای اطاعت از وجدان خود انجام دهد و هیچ‌گونه هدف و منفعت شخصی در آن نداشته باشد، خیر اخلاقی شمرده می‌شود. مثلاً اگر انسان عدل را نه به خاطر تشویق و تمجید دیگران و نه حتی برای رسیدن به سعادت، بلکه فقط بدان جهت که وجدان به آن دعوت می‌کند، انجام دهد، فضیلت شمرده می‌شود.

برای درک نادرستی گزینه‌های دیگر دقت شود که هر چند لازمه‌ی اخلاقی بودن عمل در نظر کانت تطابق آن با وظیفه‌ی فرد است و در غیر این صورت آن عمل اخلاقی نیست؛ اما آنچه مهم است این است که انگیزه‌ی فرد برای انجام آن عمل نیز فقط انجام وظیفه و پیروی از وجدان باشد نه اموری مانند سود و منفعت شخصی و ... بنابراین اگر فرد وظیفه‌ی خود را انجام دهد اما به انگیزه‌ای غیر اخلاقی، عمل او اخلاقی شمرده نمی‌شود.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. فلاسفه مسلمان می‌گویند بشر (هر انسانی) به فضیلت‌ها فطرتاً علاقه‌مند است و عقل انسان آن‌ها را زیبا و خوب می‌داند. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: خویشتن‌داری فضیلت قوه‌ی شهوت آدمی است. فضیلت قوه‌ی غضب شجاعت است.
گزینه ۲: این‌گونه نیست که صرف این که عملی بر مبنای نفع شخصی نباشد بدون شک از نظر کانت اخلاقی باشد. گاهی انسان بر مبنای یک هدف جمعی تصمیم به کاری می‌گیرد. به طور دقیق‌تر هم می‌توان نادرستی این گزینه را این دانست که انجام دادن کار از سر دلسوزی کاملاً با انجام دادن کاری به خاطر تبعیت صرف از حکم وجدان مغایر است.
گزینه ۴: از دیدگاه این فیلسوفان آزادی و منافع انسان در گرو آزادی و منافع دیگران است و این‌گونه نیست هر چه‌قدر می‌خواهد آزاد باشد.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. از نظر افلاطون، در صورتی عمل انسان در جهت سعادت است که بنا به فرمان و راهنمایی عقل انجام پذیرد. یعنی قوه‌ی غضب و قوه‌ی شهوت، تحت کنترل و حکومت عقل باشند و با راهنمایی عقل عمل کنند. وی می‌گوید اگر عقل که از فضیلت حکمت برخوردار است، حاکم باشد، قوه‌ی شهوت «خویشتن‌داری» پیش می‌گیرد و قوه‌ی غضب متصف به «شجاعت» می‌شود و ... برآیند و نتیجه‌ی چنین سامانی، برقراری «عدالت» میان قوای عقل و شهوت و غضب و در سراسر شخصیت انسان است. اما ارسطو، شاگرد افلاطون که درباره‌ی معیار فعل اخلاقی نظری نزدیک به استاد خود دارد؛ معتقد است که اگر عقل بر قوای دیگر حاکم شود، انسان به اعتدال در قوا می‌رسد و همین اعتدال، عامل سعادت و نیک‌بختی انسان است. به اعتقاد ارسطو، شهوت و غضب همواره در معرض افراط و تفریط هستند اما عقل می‌تواند مانع این افراط و تفریط شود؛ البته شرط لازم برای چنین امری این است که خود عقل رشد کرده و به درجات مناسبی از معرفت دست یابد تا خودش دچار افراط و تفریط نشود. بنابراین از نظر ارسطو، اگر قوای وجودی در خط اعتدال باشند، انسان به سعادت می‌رسد.